



۲۰۱۹/۰۱/۰۹

میر عنایت الله سادات

## داشتن "هویت ملی" چرا ضرور است؟



قسمت اول

پس از آن همه تقابل و رویارویی در جامعه ما، انسان های با مواضع و تعلقات از هم متفاوت در گذشته، اکنون پهلوی هم و در داخل یک سیستم دولتی قرار گرفته و می گویند که حالا مشترکاً برای وطن و مردم شان خدمت می نمایند.

سوال مطرح میشود که:

آیا این چرخش، با انتباه از تجارب گذشته، یک تحول آگاهانه است؟ یا جبر روزگار؟ و یا ترس از آینده؟ و یا به منظور مقابله با طالبان و حامیان آنها؟ آیا آنها در زیر فشار بین المللی حاضر به همکاری مشترک شده اند؟ و یا اینکه بر طبق پرسش اولی، واقعاً خود آنها از حوادث گذشته پند و عبرت گرفته اند؟

قابل سوال است که آیا آنها واقعاً حاضرند که بر تعلقات تخریش آور گذشته شان خط بطلان کشیده، هویت گروهی خود را کنار بگذارند و به دور "هویت ملی" شان حلقه بزنند؟

اگر چنین است؟ باید آنها کدام راه و روش را در پیش گیرند؟ و از چه چیزها بپرهیزند؟ تا "روحیه ای ملی" خویش را بازیابند.

جواب صادقانه به همه این سوال ها ضرور بوده و چگونگی پاسخ هر یک ازین افراد، مواضع آنها را در برابر وطن و مردم بیان می کند. طبعی است که آمادگی به خاطر تحقق مثنی ملی، نظر به درک، شعور و احساس هر انسان فرق می نماید و برای بالا بردن سطح چنین آمادگی باید قضیه را به مباحثه گرفت تا عوامل بازدارنده، شناسایی شده بتوانند.

به خاطر آغاز چنین مباحثه، لازم به نظر می رسد تا در مورد اصطلاح "هویت ملی" و مصطلحات متمم با آن (ملت، دولت ملی و ملی گرایی) توجه نموده و به صورت مشخص در مورد "هویت ملی افغان ها" اندکی تأمل و تعمق کرد.

## ۱- "هویت ملی" چیست؟

در رابطه به شناخت از "هویت ملی" نظریات گوناگون ارائه می گردد که همه آنها در قالب دو مکتب فکری ذیل شناسایی می شوند:

طرفداران تئوری وراثت (۱): از نظر آنها، "هویت ملی" یک پدیده ازلی و در خلقت انسان ها نهفته بوده، میراثی و لایتغیر می باشد (۲).

(۲). چنین شیوه تفکر و شناخت از هویت ملی، سرلوحه درک نازی های المان را تشکیل میداد. آنها نژاد را پایه و اساس "هویت ملی" خود قرار داده و جاهلانه پروپاگند می نمودند که نژاد آریین از ازل و در خلقت خود، برتر از دیگران است.

طرفداران تیوری سازندگی (۳): پیروان این مکتب فکری معتقد اند که "هویت ملی" مربوط به خلقت انسان نبوده، بلکه "محصول و ساخته فرهنگ انسان ها می باشد. ارزش های فرهنگی ساخته می شوند و باز هم مجدداً و به طور مسلسل به میان می آیند. آنها استدلال می نمایند که تمام داشته های فرهنگی، فرهنگ را می سازد" (۴) همینطور در مورد اجزای مکتبه "هویت ملی" شناخت های متعدد از جانب دانشمندان ارائه شده. "انتونی سمیت" (۵) در اثرش به سال ۱۹۹۱ ازین اجزاء نام می برد:

الف - قلمرو تاریخی یا وطن

ب - گفته ها و خاطرات تاریخی و مشترک

پ - فرهنگ مشترک توده های مردم

ج - حقوق مشترک و ثبت شده در قانون و وظایف تمام اعضا

د - اقتصاد مشترک و پر تحرک در داخل قلمرو برای اعضا

"کیروتی" (۶) در سال ۱۹۹۲ این عناصر پنجگانه (زبان، ادبیات، تاریخ مشترک، نژاد و مذهب) را برای تکمیل تعریف "هویت ملی" برشمرده و خاطر نشان می سازد که بنا بر ذوق و سلیقه سیاسی انسان ها بر هر یک ازین عناصر، مشخصاً تأکید صورت می گیرد.

"هویت ملی" را می توان از نظر لغوی به کلماتی چون "مطابقت کامل ملی"، "تساوی ملی" و "خود آگاهی ملی" توضیح و بیان کرد. "هویت ملی" هم وجود یک ملت را در برابر خارج مشخص می کند و نیز به خود هر فرد یک ملت، در داخل و خارج کشور "هویت" می دهد. یعنی انسان در پرتو این کلمه جایگاه خود و جایگاه جامعه خود را می شناسد. وقتی انسان در خارج از قلمرو ملی خود قرار داشته باشد، هویت ملی او بیشتر مورد توجه قرار می گیرد.

<sup>۱</sup> - Essentialists

<sup>۲</sup> - Spiering, menno (۱۹۹۹) "The Future of National Identity in the European Union", in National Identities, ½ pp. ۱۵۱

<sup>۳</sup> - Constructivists

<sup>۴</sup> - Ifverson (۲۰۰۲); "All having culture is making of culture", University of Amsterdam, page ۶

<sup>۵</sup> - Smith, Anthony (۱۹۹۱), "National Identity", University of Nevada press

<sup>۶</sup> - Ceruti, Furio (۱۹۹۲), Can there be a supranational identity, in Philosophy and Social Criticism, ۱۸/۲, pp. ۱۵۰

حتی خود آن شخص بیشتر به هویت ملی خود توجه می نماید. هر کسی که به مقصود اصلی این کلمه پی نبرده و نسبت به "هویت ملی" خود شک و تردید دارد، به صورت طبعی در بحران هویت قرار گرفته، راه گم و به کجراهه می رود. زیرا احساس او در رابطه به هویت خودش و جامعه اش دچار بحران شده است.

در جهان پر آشوب ما، امروز همه کس از آزادی و استقلال دم می زند ولی میان این دم زدن ها، فرق های زیاد وجود دارد. یعنی آنهایی که آزادی را تنها "برای خود" و یا "گروه ای خود" می خواهند، از ندای مردمی که در خدمت ملت خود قرار گرفته، خیر و سعادت خود را در پناه آزادی همه مردم خود جست و جو می نمایند، جدا می باشد. انسان های که آزادی خود را در آزادی همگانی می یابند، به صورت طبعی ذهن شان به یک مدار فراتر از منافع گروهی و شخصی معطوف گردیده و با شعور کامل به خاطر برآورده شدن منافع ملت شان گام می بردارند. به عبارتی دیگر، اینها در یک سطح معینی از "درک ملی" قرار داشته و قادرند که با منافع کشور شان برخورد شعوری بنمایند. به افاده روشن تر، اینها صاحب "تفکر ملی" بوده و در جهت رفاه جامعه و عمران سرزمین شان، مشی روشن و واقعبینانه دارند. همین ها اند که "روحیه ملی" را در یک جامعه تقویت کرده و "هویت ملی" را تمثیل می نمایند. نه آنهایی که به هویت های گروهی و یا هویت های محلی چسبیده و تلاش می ورزند تا چنین هویت ها را جانشین "هویت ملی" که یک مفهوم فراگیر و همگانی است، بنمایند. چنین اشخاص فی الواقع، آب را به آسیاب دشمن ریخته و در حمایت از بیگانگان، بر ضد منافع ملی، تمامیت ارضی و هویت ملی خود دست به کار می شوند.

اگر قوانین عادلانه در جامعه حکمفرما نباشد و اتباع بالوسيله رأی آزادانه شان در انتخاب حکومت ها نقش نداشته باشند، در آنصورت اکثریت مردم در محکومیت بسر برده و حکومت نمی تواند ممثل اراده آنها باشد. در نتیجه، مردم خود را در سیاست های جاری و هدف های دور نمائی رژیم حاکم، شریک نمی دانند. چون حاکمیت حق انحصاری ملت ها می باشد، در چنان حالت این حق آنها غصب شده و خطر آن متصور است که گروه های مختلف مردم به خاطر اعاده حقوق شان به پا خیزند. بالاتر این قیام، نیروها به صورت متقابل آرایش یافته و انقطاب بر جامعه مستولی می شود. در چنین حالت اگر طرفین درگیر از خرد سیاسی برخوردار نباشند، خطر پیدایش هویت های جداگانه بروز می نماید که ظهور این وضع، "هویت ملی" را تخریب می نماید. بالخصوص در حالاتی که طرفین به بلوغ فکری نائل نگردیده باشند، ایشان به هر وسیله (حتی وسائل قهریه) متوسل شده، علیه همدیگر می تازند. و وجوه مشترک را نادیده می گیرند. با در نظر داشت نقش و جوانب مختلف "هویت ملی" به این نتیجه میتوان رسید که:

- اولاً "هویت ملی" محصول مدرنیته بوده و با پدیده های دیگری مانند ملت، ناسیونالیسم و دولت ملی پیوند دارد.
- ثانیاً "هویت ملی" تابع دو متحول، یکی سطح سیاسی و دیگری سطح فرهنگی/اجتماعی می باشد. بناءً شکل گیری "هویت ملی" هم، پا به پای انکشاف در هر دو سطح به وقوع می پیوندد.

پایان قسمت اول



### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!